



بنیان‌های اصلی پیدایش همگرایی و وحدت، ارتباطات اقتصادی و همکاری‌های تجاری است. در بین کشورهای اسلامی، برخی از آنان با برخورداری از مزیت‌های نسبی در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی و دارا بودن ذخایر زیرزمینی و طبیعی و رشد اقتصادی مناسب هم چون ایران، ترکیه، عربستان، اندونزی، مالزی و مصر می‌توانند با پیش قدم شدن در گسترش مناسبات اقتصادی میان کشورهای اسلامی، مقدمات وحدت اقتصادی را که زمینه‌ساز وحدت سیاسی و نظامی است، میان کشورهای اسلامی فراهم سازند.

بدین ترتیب، کشورهای اسلامی می‌توانند با ایجاد یک بازار بزرگ چند صد میلیارد دلاری، به یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل شوند. برخی انگیزه‌ها و شاخص‌های متعدد که می‌تواند در بعد اقتصادی همگرایی میان کشورهای اسلامی را موجب گردد، عبارتند از:

۱- ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌گیری کامل از منابع طبیعی و انسانی برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی با توجه به تفاوت امکانات و توانایی‌های هر کشور؛

۲- ایجاد و تقویت یک بنیان اقتصادی نیرومند؛

۳- افزایش توان و ورود به بازارهای بین‌المللی و گسترش بازارهای داخلی؛

۴- افزایش قدرت رقابت در مورد کشورهای متکی به اقتصاد تک محصولی؛

۵- کاهش فشار سیاسی ناشی از تفاوت در سطوح اقتصادی؛

۶- دستیابی به ثبات بیشتر اقتصادی؛

۷- توسعه‌ی بازار پولی با تشکیل بانک‌های منطقه‌ای، ایجاد پول مشترک و...؛

۸- گسترش مبادلات آماری و اطلاعات اقتصادی و توسعه‌ی میدان تصمیم‌گیری.<sup>(۹)</sup>

از جمله تجارب همگرایی کشورهای اسلامی در زمینه‌ی اقتصادی می‌توان به توافقی‌های اتحاد اقتصادی کشورهای عربی که در سال ۱۹۵۷ توسط اتحادیه‌ی عرب تهیه شد اشاره کرد. این توافقنامه شامل آزادی انتقال سرمایه و تردد اشخاص، آزادی کامل انتقال کالا به ویژه کالاهای تولیدی کشورهای عربی، یکسان سازی تعرفه‌های گمرکی، هماهنگی سیاست‌های کشاورزی، صنعتی، مالی و پولی و یکسان سازی قوانین و مقررات مربوط به آنها بوده است. در سال ۱۹۶۴ نیز اتحادیه‌ی عرب طرح بازار مشترک عربی را به تصویب تمامی کشورهای عربی (به استثنای مغرب) رساند. علاوه بر این، در منطقه‌ی جنوب شرق آسیا نیز تعدادی از کشورهای اسلامی به همراه چند کشور دیگر اتحادیه‌ی آ.سه.آ. را تشکیل دادند.

در منطقه‌ی خلیج فارس نیز کشورهای حوزه‌ی جنوبی این منطقه شورای همکاری خلیج فارس را به وجود آوردند که گرچه در اوایل گرایش سیاسی - امنیتی داشت، در حال حاضر، توجه بیش تری به فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد. سازمان آ.کو که ابتدا بین کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد و سپس محدوده‌ی آن به کشورهای حوزه‌ی قفقاز و آسیای میانه توسعه یافت به عنوان مجموعه‌ای اساساً اقتصادی به حساب می‌آید. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیز تاکنون تلاش‌هایی را در

جهانی را بیش تر واقعی می‌کند حمایت بی‌شائبه‌ی آن‌ها از اسرائیل است. در حقیقت، فجایی که در فلسطین اشغالی توسط اسرائیل و با حمایت غرب و به ویژه آمریکا صورت می‌گیرد، به همراه گسترش ملاحظاتی در امور جهان اسلام می‌تواند به عنوان یک عامل ناامنی و تهدیدکننده برای کشورهای اسلامی تلقی شود و روند همگرایی میان کشورهای اسلامی را سرعت ببخشد.<sup>(۵)</sup> علاوه بر این، نیاز کشورهای اسلامی به اتخاذ مواضع مشترک درباره‌ی مسائل مبتلا به بین‌المللی، تأمین منافع مسلمانان در مجامع جهانی و افزایش هماهنگی جهان اسلام به هنگام بروز بحران‌های گوناگون، ضرورت همگرایی کشورهای اسلامی را بیش تر و دولت‌های اسلامی و مسلمانان را به تلاش مستمر به منظور اتحاد بیش تر ترغیب می‌کند.

### ج) عوامل جغرافیایی

در حال حاضر، کشورهای اسلامی در سرزمین وسیعی با ۱۱ هزار کیلومتر طول و ۵ هزار کیلومتر عرض واقع شده‌اند.<sup>(۶)</sup> این وضعیت باعث شده بسیاری از کشورهای اسلامی از نظر جغرافیایی در مجاورت یکدیگر قرار گرفته و دارای مرز مشترک و مبادلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... باشند. این امر پتانسیل مهم و بستر مناسبی برای وحدت و همگرایی به حساب می‌آید. از نظر جغرافیایی، بیش ترین گسترش جهان اسلام در دو قاره‌ی آسیا و آفریقا قرار دارد و بقیه‌ی کشورهای اسلامی نیز در دو قاره‌ی اروپا و آمریکا واقع شده‌اند.<sup>(۷)</sup> از نظر ژئوپلیتیکی، جهان اسلام مشتمل بر سه بخش است: اول، مرکز جهان اسلام که در خاورمیانه قرار دارد و نقش مواصلاتی و ارتباطی را میان جهان اسلام ایفا می‌نماید. دوم، غرب جهان اسلام که از کانال سوئز آغاز می‌شود و دربرگیرنده‌ی کشورهای مسلمان قاره‌ی آفریقا است؛ ویژگی مهم این بخش جهان اسلام، وحدت سرزمینی آن است. سوم، شرق جهان اسلام که از مرزهای شرقی ایران آغاز می‌شود و مسلمانان آسیای مرکزی، هند و جنوب شرق آسیا را دربرمی‌گیرد. در یک رتبه‌بندی از لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی، مرکز جهان اسلام در رتبه‌ی اول، غرب جهان اسلام در رتبه‌ی دوم و شرق جهان اسلام در رتبه‌ی سوم اهمیت قرار دارد. علاوه بر این، اغلب کشورهای اسلامی مناطق حساس ژئوپلیتیکی همانند راه‌های ارتباطی، تنگه‌های آبی، خلیج‌ها و دریاهای مهم جهان را در کنترل دارند. تنگه‌های داردانل و بسفر، کانال سوئز، باب‌المندب، تنگه‌ی هرمز، تنگه‌ی مالاکا و تنگه‌ی جبل الطارق، خلیج فارس، دریای عمان و دریای سرخ در کوتاه کردن فواصل دریایی و زمینی، میان شرق و غرب، نقش مهمی برعهده دارند.<sup>(۸)</sup>

چنانچه کشورهای اسلامی موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی خود را در جهان درک نمایند، با رعایت عامل ژئوپلیتیک - ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک می‌توانند همگرایی و همبستگی میان جهان اسلام را تقویت نمایند و مقدمات تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار را فراهم کنند.

### د) عوامل اقتصادی

بررسی عوامل موفقیت اتحادیه‌ی اروپا نشانگر آن است که یکی از



جهت همگرایی اقتصادی نشان داده‌اند.<sup>(۱۰)</sup>

معمول، دستیابی به منافع دو جانبه است که این امر کاهش انگیزه‌ی کشورهای ثروتمند عضو OIC را در تجارت با کشورهای فقیر این سازمان به دنبال خواهد داشت.

### ۳- ساختار تولید

تقریباً تمام کشورهای OIC از ساختار تولید مشابهی برخوردارند و به طور کلی بیش تر تولیدات و صادرات بیش از نیمی از این کشورها را محصولات کشاورزی و نفت تشکیل می‌دهد که این عدم تنوع محصولات یکی از موانع همکاری اقتصادی میان کشورهای اسلامی محسوب می‌گردد؛ زیرا از طرفی خریدار این محصولات عمدتاً کشورهای صنعتی پیشرفته هستند و از طرف دیگر، کشورهای مذکور فاقد فناوری‌های پیشرفته هستند و چاره‌ای جز تأمین محصولات با فناوری پیچیده از کشورهای صنعتی ندارند. تولیدات یکسان و مشابه کشورهای اسلامی، انگیزه‌ی این کشورها را برای مبادلات تجاری با یکدیگر کاهش می‌دهد. بررسی آمار مربوط به شرکای تجاری کشورهای اسلامی نیز مؤید این امر است. در سال ۲۰۰۰، میزان صادرات کشورهای اسلامی به کشورهای صنعتی، ۵۵/۳ درصد و به کشورهای اسلامی در حال توسعه‌ی غیرمسلمان ۴۱/۱۰ درصد از کل صادرات کشورهای اسلامی را شامل می‌شود و این در حالی است که صادرات کشورهای اسلامی به یکدیگر، تنها ۹/۸ درصد از کل صادرات کشورهای اسلامی است. هم چنین ۵۵/۱ درصد از کل واردات کشورهای اسلامی از کشورهای پیشرفته و ۴۲/۶ درصد آن از کشورهای در حال توسعه‌ی غیرمسلمان و تنها ۱۳/۴ درصد از کل واردات کشورهای اسلامی، واردات کشورهای مذکور از یکدیگر است.

### ۴- سطح رفاه و استانداردهای زندگی

تفاوت درآمدی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، در سطح رفاه و استانداردهای زندگی کشورهای مذکور نیز منعکس می‌گردد. در میان کشورهای OIC بیست و دو کشور جزء فقیرترین و کم توسعه یافته‌ترین (LDC)<sup>(۱۳)</sup> کشورها هستند و از سطح درآمد بسیار پایینی برخوردار بوده و برای تأمین رشد و توسعه‌ی اقتصادی خود وابسته به صادرات میزان محدودی از محصولات ابتدایی، مواد اولیه‌ی غیرنفتی و محصولات کشاورزی هستند. در مقابل، سیزده کشور صادرکننده‌ی نفت OIC از سطح درآمد، توسعه یافتگی و میزان رفاه بسیار بالاتری برخوردارند.

درآمد سرانه‌ی سیرالئون، در سال ۲۰۰۱ میلادی، ۱۵۰ دلار و درآمد سرانه‌ی قطر ۲۷،۹۱۸ دلار بوده است که این امر، تفاوت فاحش میان درآمد سرانه و در نتیجه میزان بهره‌مندی از استانداردهای زندگی و سطح رفاه کشورهای اسلامی را نشان می‌دهد.

### ۵- تراز منابع مالی

تفاوت سطح درآمد ملی کشورهای OIC، در تراز منابع مالی آنان نیز مؤثر است. اکثر کشورهای اسلامی دارای کسری در تراز منابع مالی خود

حجم اندک مبادلات انجام شده میان کشورهای اسلامی، نشانگر وجود موانع متعدد فراروی کشورهای اسلامی در تجارت با یکدیگر است. چنانچه در سال ۲۰۰۰، صادرات کشورهای اسلامی به یکدیگر تنها ۹/۸ درصد از کل صادرات کشورهای اسلامی و واردات کشورهای اسلامی از یکدیگر، فقط ۱۳/۴ درصد از کل واردات کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهد. عدم یکپارچگی و تفاوت‌های عمده در ساختار اقتصادی - اجتماعی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، فقدان امکانات ارتباطی مناسب، تنوع اندک در تولیدات، تمایلات سیاسی ... از موانع فراروی ایجاد و گسترش همکاری‌های اقتصادی میان این کشورهاست که در ذیل به مهم‌ترین موانع مذکور اشاره می‌شود:<sup>(۱۱)</sup>

### ۱- ضعف در زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات

با وجود وسعت جغرافیایی زیاد مجموع کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، زیرساخت‌های حمل و نقل و امکانات ارتباطی میان آنان بسیار ضعیف است. خط آهن‌های یک طرفه، که معمولاً به زمان مستعمره بودن این کشورها باز می‌گردد، و ترافیک در خطوط هوایی و کشتیرانی میان کشورهای اسلامی از عمده‌ترین مشکلات ارتباطی آنان به شمار می‌رود. هم چنین ارتباط مستقیمی میان بسیاری از کشورهای اسلامی با یکدیگر وجود ندارد. وضعیتی مشابه و حتی ضعیف‌تر در مورد ارتباطات مخابراتی وجود دارد. خدمات مخابراتی در بسیاری از کشورهای اسلامی ضعیف بوده و در بسیاری از موارد خطوط مخابراتی که ارتباط میان کشورهای اسلامی را برقرار می‌کند، از مرکز مخابراتی کشورهای غربی تأمین می‌شود.

### ۲- درآمد ناخالص داخلی (GDP)

درآمد ناخالص داخلی، که نشانگر اندازه‌ی اقتصاد کشورهاست، در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بسیار متفاوت است. در سال ۲۰۰۱، درآمد ناخالص داخلی پردرآمدترین کشور اسلامی، یعنی عربستان سعودی بالغ بر ۱۶۷ میلیارد دلار آمریکا و پس از آن ترکیه، به عنوان دومین کشور پردرآمد اسلامی، ۱۴۸ میلیارد دلار است. این در حالی است که در کم درآمدترین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)<sup>(۱۲)</sup> یعنی کومور، میزان درآمد ناخالص داخلی در همان سال، ۲۲ میلیون دلار آمریکا و پس از آن در گینه بیسائو ۲۴۵ میلیون دلار بوده است. کشورهای عربستان سعودی، ترکیه، اندونزی، مصر، ایران و مالزی جمعاً ۵۲ درصد از درآمد کل OIC را به خود اختصاص می‌دهند و درآمد ۵۱ کشور مابقی، جمعاً ۴۸ درصد از درآمد کل OIC را تشکیل می‌دهد که این مطلب نشانگر نابرابری شدید درآمدی در میان کشورهای اسلامی است. نابرابری شدید درآمدی از موانع جدی توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی میان کشورها محسوب می‌گردد؛ زیرا مطالعات نشان می‌دهند که به طور کلی انتظار کشورهای فقیر از همکاری‌های اقتصادی دستیابی به کمک‌ها و منافع یک جانبه است، در حالی که هادی کشورهای ثروتمند و برخوردار از درآمد بیش‌تر، به طور

میان کشورهای اسلامی وجود دارد که سبب نزدیکی بیش تر این کشورها به یکدیگر می‌گردد و از سوی دیگر، دسترسی این کشورها به موفقیت‌های راهبردی، می‌تواند در بلندمدت بلوک اقتصادی OIC را تبدیل به بلوکی مهم و کلیدی در اقتصاد جهان نماید.

بدیهی است که تشکیل چنین بلوک اقتصادی مستلزم برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های راهبردی بلندمدت و کاهش و حذف موانع موجود است. مهم‌ترین مشترکات و نقاط قوت برای ایجاد همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی عبارتند از:

الف) مهم‌ترین و اصلی‌ترین زمینه مشترک میان کشورهای اسلامی، از ابتدای تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی، تبعیت همه‌ی کشورهای عضو از دین مبین اسلام بوده و از مهم‌ترین اهداف تشکیل این سازمان، اتحاد و یکپارچگی ملل مسلمان تحت لوای اسلام است.

ب) کشورهای اسلامی در صد وسیعی از منابع انرژی نفت و گاز، منابع طبیعی، معادن و نیروی انسانی فراوان و ایران را در اختیار خود دارند که برای تمام کشورهای جهان و به ویژه برای کشورهای صنعتی بسیار کلیدی و حیاتی است. گروه کشورهای اسلامی ۴۰ درصد جمعیت جهان، ۷۵ درصد از منابع نفتی جهان و ۴۰ درصد از مواد خام صادراتی جهان را در اختیار دارند.

ج) به لحاظ جغرافیایی نیز کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از موقعیت‌های راهبردی بسیاری برخوردارند. کنترل تنگه‌ی جبل الطارق (مراکش و اسپانیا) که اقیانوس اطلس را به دریای مدیترانه متصل می‌سازد، کانال سوئز (مصر)، تنگه‌های بسفر و داردهنل (ترکیه)، تنگه‌ی ملاکا (اندونزی) که عبور و مرور میان اقیانوس هند و اقیانوس آرام را کنترل می‌کند، تنگه‌ی باب‌المندب (یمن، جیبوتی و سومالی) که اقیانوس آرام را به دریای احمر متصل می‌سازد، تنگه‌ی هرمز (ایران و عمان) که گذرگاه اصلی صدور نفت از کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس به کشورهای صنعتی است.

د) جمعیت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، که جمعیتی غالباً جوان است و بالغ بر یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر می‌شود، بازار وسیع بالقوه و هم چنین بالقوه‌ای را در آینده برای محصولات صنعتی تشکیل می‌دهد. جمعیت مذکور می‌تواند تقاضای وسیعی را برای محصولات تولید شده در داخل OIC و هم چنین بازار مصرف البومی را برای تولیدات کشورهای صنعتی به وجود آورد و کشورهای اسلامی از این طریق می‌توانند نفوذ خود را در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی افزایش بخشند.

هـ) یکی از عواملی که موجب گسترش بیش تر همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای اسلامی می‌گردد، افزایش تحمیل واقعی و عزم راسخ در سران کشورهای اسلامی برای هم‌سویگری و هم‌راستایی بیش تر سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی است. این مطلب به طور مفصل‌تری در بخش بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۹- عدم ترفیق منطقه بازار مشترک اسلامی، ضرورتها و فرصتها

ایجاد بازار مشترک اسلامی، به عنوان هدف قیاسی همکاری‌های

هستند که این امر نشانگر آن است که سطح پس انداز داخلی این کشورها از سطح مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری کم‌تر است. از این رو، کشورهای مذکور برای تأمین سرمایه‌های مورد نیاز خود به استقراض از منابع خارجی روی می‌آورند و اغلب از بدهی‌های خارجی سنگین برخوردارند که این وضعیت، مانعی در مقابل افزایش سطح همکاری‌های میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به شمار می‌رود.

## ۱۰ روابط سیاسی کشورهای پیشرفته

یکی از ابعاد همکاری‌های اقتصادی کشورهای اسلامی، تقلیل و نهایتاً حذف موانع تجاری موجود میان این کشور و اعمال تعرفه‌های واحد و مشترک تجاری در مقابل کلیه‌ی کشورهای پیشرفته‌ی غیراسلامی است. در گذشته، بسیاری از کشورهای اسلامی مستعمره‌ی کشورهای پیشرفته‌ی کومو بوده‌اند و در عصر حاضر نیز با وجود کسب استقلال و پایان بخشیدن به دوران استعمار خویش، گم‌گامان وابستگی سیاسی و خصوصاً اقتصادی خود را به استعمارگران سابق حفظ کرده‌اند. علاوه بر این، همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، بسیاری از کشورهای OIC به دلیل مواجه بودن با ننگه‌های اقتصادی، از قبیل کمبود میزان پس انداز داخلی و در نتیجه نیاز شدید به منابع مالی خارجی، به منظور رفع نیاز سرمایه‌گذاری، ساختار تولید و صادرات کالاهای ابتدایی و مواد اولیه و در مقابل واردات محصولات با فناوری پیشرفته و بالاتر به کشورهای صنعتی نیاز دارند که این موضوع موجب می‌گردد تمایل زیادی به برقراری و حفظ روابط قوی سیاسی و اقتصادی با کشورهای پیشرفته داشته باشند و لذا این ارتباط یکی از موانع جدی در مقابل افزایش همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای اسلامی به شمار می‌رود.

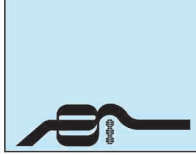
## ۱۱- فقدان اطلاعات و داده‌های آماری

در دسترس نبودن اطلاعات آماری استاندارد، مانع اطمینان و به زور در مورد شاخص‌های اقتصادی، پتانسیل‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، از طرفی موجب عدم آگاهی سرمایه‌گذاران و کارگزاران اقتصادی داخلی و خارجی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی مذکور می‌گردد و از سوی دیگر موجب اختلال در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، نهادهای اقتصادی و تصمیم‌سازی‌های اقتصادی در سطح کل OIC می‌گردد.

## ۱۲- حذف ارتباط میان مؤسسات مالی کشورهای اسلامی

ارتباط میان بانک‌ها و مؤسسات مالی هر کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی با سایر کشورهای عضو بسیار ضعیف است و از این رو به نظر می‌رسد فقدان تسهیلات مالی ویژه و هم چنین تسهیل در پرداخت‌ها برای تجار و بازرگانان از عوامل مهم محدودکننده‌ی تجارت میان کشورهای اسلامی است. اگرچه تعدد موانع و ساختاری بودن بسیاری از ننگه‌ها، مانع ایجاد همکاری‌های اقتصادی کشورهای اسلامی در کوتاه مدت و حتی میان مدت می‌گردد، علی‌رغم موانع موجود، از یک سو نقاط اشتراک مهمی نیز در





در چنین محیطی از تجارت آزاد، مبادلات کشورهای عضو بازار مشترک اسلامی با کشورهای غیر عضو کاهش می‌یابد و در عوض، مبادلات میان کشورهای عضو رونق می‌گیرد. زیرا با اعمال موانع تعرفه‌ای در مقابل واردات کشورهای غیر عضو، قیمت تولیدات کشورهای عضو ارزان‌تر از قیمت کالاهای وارداتی به این بازار بوده و قدرت رقابتی کشورهای غیر عضو تقلیل می‌یابد.

ذکر این نکته ضروری است که بعضی از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی (WTO)<sup>(۱۴)</sup> هستند و بنابراین در وضع سیاست‌های تعرفه‌ای و تشکیل بازار مشترک یا هر نوع دیگری از همکاری‌های اقتصادی باید شرایط و مقررات WTO را لحاظ نمایند.

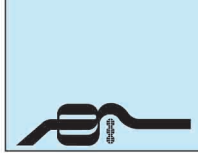
علاوه بر آزادسازی تجارت کالا و خدمات میان کشورهای عضو بازار مشترک اسلامی، باید تسهیلات لازم را برای جریان آزاد عوامل تولید، از جمله نیروی کار، سرمایه و سرمایه‌گذار میان کشورهای اسلامی فراهم آورد. به عبارت دیگر، افراد، کارگزاران اقتصادی و شرکت‌های اقتصادی باید بتوانند به طور آزاد برای جست و جوی فرصت‌های شغلی و سرمایه در کشورهای OIC عبور و مرور کنند و در کلیه کشورهای عضو نه به عنوان فردی خارجی بلکه همانند هموطنان همان کشور و بدون کنترل‌هایی که بر افراد و سرمایه‌های خارجی اعمال می‌شود در نظر گرفته شوند.

در چنین فضای آزادی از مبادله‌ی کالا، خدمات، نیروی کار، سرمایه و سرمایه‌گذار، کشورهای اسلامی بازار وسیع‌تر و مطمئن‌تری را برای تخصیص بهتر منابع و توزیع بهتر تولیدات خواهند داشت. جابه‌جایی آزاد عوامل تولید، به خصوص سرمایه و نیروی کار موجب افزایش بهره‌وری، کارایی و قدرت رقابتی در بازار مشترک اسلامی می‌شود. بازار مشترک زمینه‌ی بهره‌مند شدن از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تخصصی‌تر شدن تولیدات را به همراه دارد که این امر خود موجب تقلیل هزینه‌های تولید، توسعه‌ی فناوریانه، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش قیمت تولیدات در میان کشورهای اسلامی و هم‌چنین در بازارهای جهانی خواهد شد. شرایط مذکور توان رقابتی کارگزاران اقتصادی کشورهای OIC را افزایش خواهد داد و مزایای بسیاری را در داخل بازار مشترک برای آنان به ارمغان خواهد آورد. البته در شرایط رقابتی به وجود آمده در بازار مشترک اسلامی، به طور قطع، کشورهای عضو باید خود را برای حضور در رقابتی مشکل‌تر از سابق آماده سازند. بنگاه‌های اقتصادی که از توان رقابتی کم‌تری در مقایسه با سایرین برخوردارند، حذف شده و بنگاه‌های بهره‌مند از هزینه‌ی کم‌تر، فناوری پیشرفته‌تر و بهره‌وری و کارایی بیش‌تر جایگزین آنان خواهد شد. در کوتاه مدت و میان مدت، آزادی حرکت در داخل بازار مشترک موجب جذب سرمایه و نیروی کار به سمت مناطقی خواهد شد که از سطح نرخ بهره و دستمزد بالاتری برخوردارند. بنابراین، تمام کشورهای داخل بازار مشترک، در کوتاه مدت و میان مدت، به میزان یکسانی از منافع همگرایی و رشد اقتصادی بهره‌مند خواهند شد. اما در بلندمدت، این تفاوت‌ها به تدریج کمرنگ‌تر شده و حتی در مراحل پیشرفته‌ی همکاری، هنگامی که بازار مشترک عظیمی در میان کشورهای عضو به وجود آید، از میان رفته و سطح

اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در نظر گرفته شده و تلاش در جهت ایجاد آن به اواسط سال ۱۹۷۰ و اجلاس لاهور و پذیرش «موافقتنامه‌ی عمومی همکاری‌های اقتصادی، فنی و بازرگانی» میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی باز می‌گردد. اما علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در زمینه‌ی ایجاد و گسترش همکاری‌های اقتصادی کشورهای عضو، به دلیل وجود موانع و چالش‌های متعدد فراروی کشورهای اسلامی، روند مذکور در طی ۳۰ سال گذشته موفقیت چشم‌گیری نداشته و به کندی پیش‌رفته است.

بی‌تردید، آگاهی کشورهای اسلامی در مورد منافع سرشار ناشی از ترتیبات منطقه‌ای و عضویت در بلوک‌های اقتصادی و تمایل جدی و عزم قوی سران کشورهای مذکور در ایجاد بلوک اقتصادی سازمان کنفرانس اسلامی، مهم‌ترین گام در جهت مقابله با موانع و فراهم کردن زمینه‌های ایجاد بازار مشترک اسلامی است. در نظم نوین جهانی، آن‌چه زمینه‌های تمایل جدی و عزم‌ناشخ کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را ترغیب به ایجاد و عضویت در بلوک‌های اقتصادی و گرایش‌های منطقه‌ای، به خصوص در سال‌های اخیر، نموده است، تصمیم‌سازی‌های منفعت‌طلبانه‌ی کشورهای صنعتی در عرصه بین‌المللی است. سابقه و روند اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که همواره اولویت اول با منافع این کشورهاست و ترجیحات و منافع کشورهای در حال توسعه کم‌اهمیت تلقی شده و به فراموشی سپرده می‌شود. علاوه بر آن، کشورهای در حال توسعه به تنهایی از سهم بسیار کوچکی در اقتصاد جهانی برخوردارند و قدرت نفوذ و اثرگذاری کمی بر اقتصاد جهانی و اقتصاد کشورهای پیشرفته دارند و این در حالی است که اقتصاد کشورشان در مقابل نفوذ و تهدیدات کشورهای پیشرفته بسیار آسیب‌پذیر و شکننده است.

از سوی دیگر، منافع سرشار و توفیقات فراوان حاصل از تشکیل بلوک‌های اقتصادی و همکاری‌های اقتصادی متعدد در سراسر جهان در قالب‌های متفاوت بازارهای مشترک، اتحادیه‌های گمرکی، مناطق آزاد تجاری و... توجه سران کشورهای اسلامی را به خود جلب نموده است. همکاری‌های نزدیک اقتصادی در اروپا و هم‌چنین آمریکای شمالی که با کاهش هزینه‌های ناشی از رقابت‌پذیری بیش‌تر نرخ رشد بالاتری را برای کشورهای مذکور به ارمغان آورد، تمام کشورهای جهان و از جمله کشورهای اسلامی را تشویق به همکاری‌های جدی‌تر اقتصادی کرده است. تشکیل بازار مشترک اسلامی در وهله‌ی اول مستلزم آن است که کلیه‌ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، هرگونه موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را میان خود حذف نمایند و علاوه بر آن، همگی در برابر کشورهای ثالث غیر عضو OIC سیاست‌های تعرفه‌ای واحدی اتخاذ کنند. به بیان دیگر، کالاها و خدمات تولیدشده در کشورهای اسلامی، میان این کشورهای عضو آزاد مبادله شود و بر ورود کالاها و خدمات تولیدشده در کشورهای غیر عضو، تعرفه‌های واحدی از سوی تمام کشورهای اسلامی اعمال گردد که هدف از آن حمایت از صنایع داخلی اعضای OIC است.



دستمزد و سود در تمام کشورهای OIC تقریباً یکسان خواهد شد.

در سایه‌ی بازار مشترک اسلامی در بلندمدت، روحیه‌ی تعاون و همکاری مشترک در میان کشورهای اسلامی حکم‌فرما خواهد شد که این امر خود موجب همگرایی‌های بیش‌تر سیاسی و در نتیجه امنیت و ثبات بیش‌تر در کشورهای اسلامی و سطح منطقه می‌گردد. عوامل یادشده، افزایش رشد اقتصادی و توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه و در نهایت رفاه بیش‌تر کشورهای اسلامی را به دنبال خواهند داشت.

با وجود آن که عواملی هم چون نابرابری‌های اقتصادی (دولت‌های غنی و دولت‌های فقیر)، تفاوت در سیستم اقتصادی، سیاسی دولت‌های عضو و... از جمله مواردی هستند که مانع همگرایی کشورهای اسلامی می‌شوند،<sup>(۱۵)</sup> در مقابل، توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشورهای اسلامی در زمینه‌های اقتصادی همانند تنوع جغرافیایی و آب و هوایی، نیروی انسانی فراوان و ماهر، منابع و ذخایر معدنی و طبیعی به ویژه نفت و گاز می‌توانند زمینه‌های همگرایی را تا حدود زیادی هموار نمایند.

## ه) عوامل امنیتی - دفاعی

یکی دیگر از عوامل همگرایی میان کشورها ضرورت مقابله با تهدیدات مشترک داخلی یا خارجی است. تنوع موضوعات مبتلابه کشورهای اسلامی آنان را در معرض تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های متعدد قرار داده است. جریان‌های سیاسی متنوع، درگیری‌های قومی - نژادی و مشکلات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی، هر کدام ممکن است ثبات برخی از کشورهای اسلامی را در معرض آسیب قرار دهد. اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و ناتوانی کشورهای اسلامی در حمایت از حقوق فلسطینی‌ها و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی طی ۶۰ ساله گذشته، اشغال منطقه‌ی ناگورنو قره‌باغ توسط ارمنستان و ملاحظات اخیر کشورهای مسیحی نسبت به جهان اسلام و اشغال سرزمین‌های افغانستان و عراق، همه از جمله تهدیدات نظامی است که دولت‌های اسلامی نتوانستند در برابر آن عکس‌العمل مناسب نشان دهند.

چنانچه کشورهای اسلامی در کنار چنین گستره‌ی جغرافیایی مناسب، کثرت جمعیت، نیروهای نظامی پر استعداد، در اختیار داشتن منابع اولیه و آبراه‌ها و تنگه‌های مهم جهان و داشتن روحیه‌ی کفرستیزی و شهادت‌طلبی، در بعد امنیتی و دفاعی نیز با یکدیگر هماهنگ بودند، به آسانی می‌توانستند از منافع جهان اسلام در برابر تهدیدات مشترک داخلی و خارجی دفاع نمایند و مانع تسلط غرب بر کشورهای اسلامی گردند.

## و) ایجاد سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

امروزه برای پیشبرد همگرایی و همکاری میان کشورها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و دفاعی، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، اتحادیه‌ها یا سازمان‌هایی به وجود می‌آید که با برخورداری از ساختارهای رسمی و براساس توافق چندجانبه میان دولت‌ها به صورت فراملی عمل می‌کنند. بدین ترتیب، تلاش‌های مشترک و آگاهانه

برای تسهیل مراودات میان کشورها و اقدامات جمعی از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که دارای چارچوب کمابیش دائمی هستند صورت می‌پذیرد.<sup>(۱۶)</sup> کشورهای اسلامی نیز در گذشته با درک این واقعیت که حضور مؤثر در عرصه‌ی بین‌المللی نیازمند اجماع و وحدت است، تلاش‌هایی را به منظور تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آغاز کردند.<sup>(۱۷)</sup>

در ابتدا، تلاش‌های سازماندهی شده‌ی معطوف به همگرایی در جهان اسلام بیش‌تر مربوط به کشورهای عربی و عمدتاً به دلیل موج نیرومند ملی‌گرایی پان عربی بود که سرانجام در سال ۱۹۴۵، پیمان اتحادیه‌ی عرب تصویب شد. هدف این اتحادیه تحکیم پیوندها میان کشورهای عربی و افزایش هماهنگی و همکاری میان آن‌ها بود. اعضای این اتحادیه‌ی منطقه‌ای شامل دولت‌های عربی شمال آفریقا و خاورمیانه می‌شد و اجرای قطعنامه‌ها و سیاست‌های آن کاملاً به موافقت اعضا بستگی داشت. با وجود آن که اتحادیه‌ی عرب تاکنون به عنوان یک سازمان بزرگ در ترغیب و تشویق همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان اعضا نقش بسزایی ایفا کرده، اما به عنوان یک نهاد منطقه‌ای در بعد سیاسی ناکام بوده است.<sup>(۱۸)</sup>

از جمله تلاش‌های مؤثر دیگری که از طریق تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌ها به منظور افزایش همگرایی و همکاری میان کشورهای اسلامی به عمل آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تشکیل سازمان اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده نفت) در سال ۱۹۶۰ متشکل از ایران، الجزایر، عراق، کویت، لیبی، قطر، عربستان سعودی، امارات عربی، نیجریه، ونزوئلا، گابن و اندونزی؛

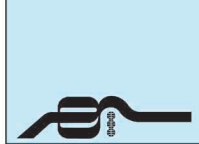
- شورای وحدت اقتصادی عرب (بازار مشترک عربی) در سال ۱۹۶۴؛<sup>(۱۹)</sup>
- تأسیس اتحادیه‌ی ملل جنوب شرق آسیا (آ.سه.آ) در سال ۱۹۶۷ با عضویت کشورهای اسلامی اندونزی، مالزی و بروئی به همراه چند کشور دیگر؛<sup>(۲۰)</sup>

- ایجاد شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ توسط ۶ کشور عربی حوزه‌ی خلیج فارس شامل امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت؛<sup>(۲۱)</sup>

- تأسیس اتحادیه‌ی مغرب عربی متشکل از کشورهای لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و موریتانی در سال ۱۹۸۹.<sup>(۲۲)</sup>

تمامی اتحادیه‌ها و سازمان‌های مذکور محدود به منطقه‌ای خاص و مشتمل بر تعدادی کشور اسلامی است، اما سازمان کنفرانس اسلامی، به عنوان تنها نهاد دولتی بین‌المللی، در برگیرنده‌ی کلیه کشورهای اسلامی است. سازمان کنفرانس اسلامی که در سال ۱۹۶۹ تأسیس گردید با ۵۷ عضو، بعد از سازمان ملل متحد بیش‌ترین تعداد عضو را دارد.<sup>(۲۳)</sup> یکی از ویژگی‌های بارز سازمان کنفرانس اسلامی، به عنوان یک سازمان بین‌المللی، در آن است که همانند سازمان ملل متحد متمرکز بر حوزه‌ی خاصی نیست، بلکه کلیه‌ی مسائل رادر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مورد بررسی قرار می‌دهد. اما در همه‌ی این حوزه‌ها عملکرد یکسانی نداشته است.





۱۴- یوسفی، محمدعلی و یوسفی جویباری، محمد: «همگرایی در میان کشورهای منطقه خلیج فارس: بررسی زمینه‌های موجود»: فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه؛ سال نهم؛ شماره ۲؛ تابستان ۱۳۸۱.

#### پی‌نوشت

- ۱- دوئرتی، جیمز و فالترگراف، رابرت: «نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل».
- ۲- درایسدل، آلاسرا پرواج، بلیک، جرالده: «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»: ۳۰۹-۳۱۰.
- ۳- همان: ص ۳۱۰.
- ۴- دوئرتی، جیمز و فالترگراف، رابرت: «نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل»: ص ۶۶۵.
- ۵- یوسفی، محمدعلی و یوسفی جویباری، محمد: «همگرایی در میان کشورهای منطقه خلیج فارس: بررسی زمینه‌های موجود»: فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه؛ سال نهم؛ شماره ۲؛ تابستان ۱۳۸۱: ۱۸۰-۱۴۳.
- ۶- عزتی، عزت‌الله: «ژئوپلیتیک».
- ۷- مستوفی الممالک، رضابین: «جهان اسلام ونحوه‌ی توزیع سرزمین‌ها و جمعیت اسلامی»: فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء؛ شماره ۴۳.
- ۸- عزتی، عزت‌الله: «ژئوپلیتیک»: صص ۱۷۵-۱۶۳.
- ۹- مقیمی، مجدالدین: «بررسی نقش شکل‌های اقتصادی منطقه‌ای در تحولات نظام بین الملل (۱)»: بولتن وزارت امور خارجه؛ شماره ۱۰؛ آبان و آذر ۱۳۷۳: ۲۶-۱۹.
- ۱۰- زنگنه، صباح: «ابعاد همگرایی اقتصادی جهان اسلام»: روزنامه‌ی قدس؛ ۴ تیر ۱۳۷۹.
- ۱۱- مارتین، خور: «جهانی شدن و جنوب»: ترجمه احمد ساعی؛ نشر قوس؛ ۱۳۸۳، ۳۷-۲۰.

12- Organization of Islamic Countries

13- Low Development Countries

14- World Trade Organization: ۲۸۰-۲۱۴ مرجع صص

- ۱۵- درایسدل، آلاسرا پرواج، بلیک، جرالده: «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»: صص ۳۲۴-۳۲۴.
- ۱۶- دوئرتی، جیمز و فالترگراف، رابرت: «نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل»: ص ۶۶۴.
- ۱۷- رحمان، س.م: «سازمان کنفرانس اسلامی و چالش‌های آینده»: ترجمه حمیرا مشیرزاده؛ مجله سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶: ۷۶۸-۷۴۹.
- ۱۸- صدوقی، مرادعلی: «چشم‌اندازهای جهانی شدن در منطقه خاورمیانه»: مجله سیاست خارجی؛ سال شانزدهم؛ شماره ۱؛ بهار ۱۳۸۱.
- ۱۹- درایسدل، آلاسرا پرواج، بلیک، جرالده: «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»: ص ۳۳۷.
- ۲۰- ایوانز، گراهام و نونام، جفری: «فرهنگ روابط بین الملل» صص ۶۵-۶۴.
- ۲۱- مک‌لین، ایان: «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»: حمید احمدی؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۱.
- ۲۲- ایوانز، گراهام و نونام: «فرهنگ روابط بین الملل»: ص ۴۷.
- ۲۳- درایسدل، آلاسرا پرواج، بلیک، جرالده: «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»: صص ۳۰۹-۳۱۰.
- ۲۴- دانشپور، محمدجعفر: «ارزیابی عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در گذشته و راه‌های آینده»: مجله سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.

بدین ترتیب که عملکرد سازمان در مورد مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موفقیت آمیزتر از عملکرد آن درباره‌ی موضوعات سیاسی همچون حل و فصل بحران‌ها، منازعات و چالش‌ها بوده است. سازمان کنفرانس اسلامی اگر چه برای حل مسائلی همانند مسلمانان جنوب فیلیپین و بوسنی و هرزگوین پیشرفت‌های نسبی‌ای کسب کرده، در مورد موضوعات مهمی از قبیل مسأله‌ی فلسطین، جامو و کشمیر، سومالی، آذربایجان، افغانستان و عراق موفقیت چندانی به دست نیاورده است.<sup>(۲۴)</sup> با این وجود، تشکیل سازمان‌های فراگیر و منطقه‌ای در بین کشورهای اسلامی، نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، در نزدیک نمودن دیدگاه‌ها و مواضع کشورهای اسلامی و ایجاد وحدت و نزدیکی میان کشورهای اسلامی نقش مهمی ایفا نموده است. اما این بدان معنا نیست که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی توانسته‌اند در مجموع در سیاست‌های داخلی و خارجی خود از مشی و سیاست‌های مشترک پیروی کنند و در عرصه‌ی جهانی با هماهنگی کامل اقدام نمایند. البته امکان دارد به تدریج با گسترش دامنه‌ی تهدیدات و ارائه‌ی تعریف‌های جدید از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، که مورد اجماع اکثریت کشورهای اسلامی باشد، از رفتار انفرادی به سوی رفتار جمعی در ذیل واحد سیاسی بزرگ‌تر (سازمان‌های بین‌المللی اسلامی) تمایل پیدا کنند تا منافع یکپارچه‌ی جهان اسلام را بهتر تأمین کنند.

#### منابع و مآخذ

- ۱- ایوانز، گراهام و نونام، جفری: «فرهنگ روابط بین الملل»: ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۱.
- ۲- برهانی، سیدهادی: «منطق شکل در سازمان کنفرانس اسلامی»: مجله سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۳- دانشپور، محمدجعفر: «ارزیابی عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در گذشته و راه‌های آینده»: مجله سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۴- درایسدل، آلاسرا پرواج، بلیک، جرالده: «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا».
- ۵- دوئرتی، جیمز و فالترگراف، رابرت: «نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل».
- ۶- رحمان، س.م: «سازمان کنفرانس اسلامی و چالش‌های آینده»: ترجمه حمیرا مشیرزاده؛ مجله سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۷- زنگنه، صباح: «ابعاد همگرایی اقتصادی جهان اسلام»: روزنامه‌ی قدس؛ ۴ تیر ۱۳۷۹.
- ۸- صدوقی، مرادعلی: «چشم‌اندازهای جهانی شدن در منطقه خاورمیانه»: مجله سیاست خارجی؛ سال شانزدهم؛ شماره ۱؛ بهار ۱۳۸۱.
- ۹- عزتی، عزت‌الله: «ژئوپلیتیک».
- ۱۰- مارتین، خور: «جهانی شدن و جنوب»: ترجمه احمد ساعی؛ نشر قوس؛ ۱۳۸۳.
- ۱۱- مستوفی الممالک، رضابین: «جهان اسلام ونحوه‌ی توزیع سرزمین‌ها و جمعیت اسلامی»: فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء؛ شماره ۴۳.
- ۱۲- مقیمی، مجدالدین: «بررسی نقش شکل‌های اقتصادی منطقه‌ای در تحولات نظام بین الملل (۱)»: بولتن وزارت امور خارجه؛ شماره ۱۰؛ آبان و آذر ۱۳۷۳.
- ۱۳- مک‌لین، ایان: «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»: حمید احمدی؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۱.